وباجوج ورزوشش دیگر بمنتهای جانب غربی باز گرد و چون زنج و ربط و توبه و دیک گروه را که در وسط عالمند بهفتاد و سه
فرقه منقسم ساخت هفتاد و دو از ایشان بهلاک یکی ناجی خداوند تعالی ترتیب کننده همه این آفرید کان است و معنی عالمین
شامل حال همه ایشان امام علم الهدی گوید عالم دو است یکی عالم اجسام و یکی عالم اعراض در هر زمانی و در هر محلی عرض نو می
آفرینند پس هر یکی از ان چندین هزار عرضی آفریده میشود و دیگر بدید و کثرت دیگر که در هر ساعتی صد هزار عالم زیبا و زشت که از عدم
بوجود می آید بیت هر دمی از وی همی آید الست ✽ جوهر و اعراض همی گردند هست ✽ در وجود آدمی جان روان ✽ میرسد از غیب
چون آب روان ✽ صد هزار احوال آید همچنین ✽ باز سوی غیب رفتند ای امین ✽ حال هر روزی بدی مانند نی ✽ همچونی
اندر روش کش بند نی ✽ شادی هر لحظه از نوع دگر ✽ فکرت هر لحظه را دیگر اثر ✽ درین ابیات معانی اشارتی است بمعنی
کل یوم هو فی شان ✽ بر منظر ظهور جلوه جلا مینماید بیت کل یوم هو فی شان
گرهست ✽ لا یتجلی شی فی صورته مرتین ✽ و اینجا نکته کل یوم هو فی شان ✽ و تامل در نتایج این ابیات شمه از سر تربیت بنده از معنی رب
پی شناخت چه شان ✽ یعنی اوصاف کمال تو ندارد پایان ✽ اما همه عوالم و حصر ساکنان آن شوان رسید ای ده بیش آدمی جزو بیست از اجزای عالم که رب
العالمین باز توان یافت
و سفلیات اشتمال ارد و بسا لهای لا تیناهی از عهده معرفت بخشی از هزار بخش احوال صفات و اسما و سمات خود بیرون نیاید
با صد هزار دانش و ادراک شمه از دقایق و حقایق نهاد خود و راه نبرد و لعجز و قصور معترف گردد چگونه تصرف توان کرد که از عالمهای خدای
جل جلاله خبر تواند داد و بکه خبری از ایشان باز گویند تحمل استماع آن شواند داشت چنانچه خواجه در تفسیر فاتحه آورده که در
آمده است که اگر اصناف عالمها را با شما کشفی الهی شمار طاقت آن بود یکی دیگر از کبر ارحمانه فرموده که اگر عالمین را تفسیر کنم
آینه محتاج شوم بهزار مجلد که هر مجلدی از ان هزار ورق باشد و غالب آنست که آنمقدار هنوز گنجایی از هزار اندک باشد بیت
عقل نداند که چه دادیست این ✽ هر طرفش کشته صد راه بین ✽ ملک خدا نیست نهایت پذیر ✽ ای خرد خام سر خویش گیر حل
ثانی در ذکر متعلقات آیه دوم قوله تعالی الرحمن الرحیم صفتست بعد از صفت یعنی معبود بحق که متصف بود بتربیت عالمیان
برحمانیه و رحیمیه نیز موصوفست و این همه صفات دلیل اختصاص و استحقاق اوست بجمیع محامد و فایده تعاد آن ایشان بر قاعده
اصول چنانچه پیش ازین گفته شد که تعقیب حکمی بصفتی مشعر است بعلت آن صفت مر آن حکم را بر اهل معانی ظاهر است
در تفسیر فناری آورده که هر ثنا و توصیف اخبار متضمن آنست که شیء و مخبر عارفست بدان ثنا و اخبار از حیثیت آنکه او شیء و مخبر است
و این ثنا دعویست علی الاجمال و تفصیل اثنیه و اخبار او بمنزله برهانست بر آن مدعی پس الحمد لله دعوی مجمل است و صفات
حسنی مفصل و عقب او بجای برهانست بر اثبات او و از جمله آن صفات رحمانیه و رحیمیه است و علما درین در فرق میان
رحمن و رحیم سخنان بسیار گفته اند و اینجا ده سه کلمه عیر از آنکه در بسمله مذکور شد گفته می آید در احقاق آورده که رحمن آنست
که آثار رحمت او بسیار و بی پایانست و رحیم آنکه قوت رحمتش زیاده و از حد امکان بحیی معاد رازی فرموده که رحمت
رحمانیه اسباب مصالح معاش بندگان مهیاست و رحمت رحیمیه مشرب مناهج معاد ایشان از فساد و ذرات علایق

مصفا

مستفاد در طوالع تقریر آمده که رحمن است که بصفت جلال عظمت در خلق رحمت کند تا همه سر انقیاد بر خط بندگی نهند ان کل من فی السموات والارض الا آتی الرحمن
عبدا رحیمست که بصفت لطف اکرم و احسان اتم بر همه متجلی شود تا از فیض عام او حظی گیرند رحمتی وسعت کل شیء سری سعی ہم نمود
فرموده که رحمن است بنفوس لاجرم او را تقوی جواس سپاست و رحیمست بقلوب هر آینه او را بزیور علم و معرفت تجلی گردانید و گفته اند
رحمت مربی اشباحست بوجود نعم و رحیم مقوی ارواح بشهود لطف و کرم ابو حاتم رازی آورده که رحمن است که تا بتوان
محو کند رحیمست جنایتهای اشکار عفو فرماید رحمن است عیب گناه کاران بپوشد تا رسوا نشوند در دنیا رحیمست که جرایم عاصیان
در گذراند تا فضیحت نگردند و اینجا از سر یا رحمن الدنیا و رحیم الآخرة خبر توان یافت رحمن است که بندگان را ایمن گرداند از در تبع
سخط و رحیمست که ایشان را برساند بدرجات فیض ثواب گفته اند رحمن است که چون کسی کاری کند مزد او را بمقصود و نقصان میرساند
رساند چون قرآن خواننده و رحیمست که دیگری را در ان شریک سازد چون مرتکب آن عمل چون شنونده قرآن که القاری والسامع
فی الاجر سواء بزرگی فرموده که رحمت بمعنی رازقست و رحیم بمعنی غفور حق سبحانه رازق جانوران است و غافر مومنان شرط رزق
جانست و شرط مغفرت ایمان و بشارت بنده درین سخن آنست که یقین داند که حق تعالی چنانچه روزی باز نمیگیرد هر که او را جان است
مغفرت نیز دریغ ندارد هر کرا ایمانست امام قربی آورده که مفهوم رحمت رحمانی ایصال نعمت دنیاست بهمه مخلوقات علی الاطلاق
و مضمون رحمت رحیمی عطا فرمودنست از برای نعمت دین است باهل استعداد و ارباب استحقاق و در کشف الحقایق آمده که رحمن دلالت
بر رحمت عظیم دارد و رحیم بر رحمت عمیم و در کتاب از نیة اهل السکینه از ابن عباس رضی روایت کرده که رحمن آنست که بر بندگان رحمت
کند و انعام فرماید از قدر حاجت بیشتر و رحیم آنکه ایشان را کار فرماید کمتر از وسع و طاقت آدمیان بر عکس آن بزیادت از طاقت
تکلیف نمایند و ار حاجت ... عکرمه میگوید رحمن است بیک جزو رحمت و رحیمست بصد جزو از ان و بیان این سخن آنست
که در احادیث صحیحه وارد شده که حق سبحانه را صد جزو رحمتست یکی از آنها بر همه خلایق قسمت کرده و نود و نه دیگر در خزانه غیب لعت
نهاده و این همه تلطف و تعطف و تودد و تالف و مرحمت و شفقت و فتوت و مروت و کرم و انعام و اکرام و تقویت بر
و تعطفت و تمشیت و مهربانی و فیض رسانی که درین عالم هست اثر آن یکجزو رحمتست و آن مستفاد از اسم رحمن باشد
باز فردا حق سبحانه آن جزو رحمت را از دلهای خلق انتزاع کند تا هیچکس در آن روز بر هیچکس رحم ننماید آنگاه او را
با نود و نه جزو رحمت مخزونه منضم ساخته بر سر گناه کاران نثار کند و همه را بشرط ایمان مستغرق دریای کرم و احسان گرداند
و این رحمت از مقتضیات اسم رحیمست و تفسیر کبیر آورده که ذکر عدد صد درین حدیث برای تکثیر است نه برای تعیین چه نعمت
الهی را نهایت نیست و فوق و غایت متصور نیست و حضرت شیخ صدر الحق والدین در تفسیر فاتحه فرموده که رحمت یک حقیقت
کلیست و تعدد منسوب بدان راجع بمراتب آنست و اختصاص تعدد و اشارتست باسما حسنی کلیه که بندگان بتحصیل آن
مناسب ظهور بلکه بدعوت بدان مکلف و مامورند ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها و رحمت را در هر اسمی یک رحمت
اما رحمت واحده فرستاده بدنیا نسبت جامعه است که در موطن جامع ظهور فرموده و نود و نه دیگر مراتب احکام آنست دیانة